

مستطیل سبز

سنگال قربانی شب پادشاهی فرانسه

امبایه، شکارچی تاریخ


فرانسه بازی را با یک ساختار تهاجمی سیال آغاز کرد؛ جایی که جابه‌جایی مداوم بین خطوط، بویژه در نیم‌فضاها، دفاع سنگال را از تعادل خارج می‌کرد. زوج اولیسه-امبایه در عمل به یک محور خلق موقعیت تبدیل شدند؛ اولیسه با ۴ خلق موقعیت و پاس‌های عمقی زمان‌بندی‌شده، ریتم حملات را تنظیم کرد و امبایه با هوش فضایی و انفجار در لحظه نهایی، این برتری را به گل تبدیل کرد. سنگال در نیمه اول با پرس‌های مقطعی و انتقال سریع، نشانه‌هایی از برتری داشت، اما ناکارآمدی در ضربه‌های آخر و واکنش‌های منیای مانع گلزنی شد. ساختار دفاعی فرانسه پس از عبور از این فاز، فشرده‌تر شد و فاصله خطوط کاهش یافت؛ تغییری که در عمل مسیر بازی را یک‌طرفه کرد. بریس امبایه نه‌تنها حاصل کیفیت فردی، بلکه محصول یک سیستم بود؛ سیستمی که عرض زمین را با وینگرها بازی می‌کند و با نفوذهای عمقی، دفاع حریف را می‌شکند. ثبت ۵۸ گل ملی و ۱۴ گل در جام جهانی نشان می‌دهد او صرفاً یک تمام‌کننده نیست، بلکه یک «شکارچی لحظه» در بالاترین سطح است. تفاوت دو تیم در کارایی بود؛ فرانسه در موقعیت ساخت، گل زد؛ سنگال ساخت، اما از دست داد.

پایان ایستادگی عراق زیر ضربات وایکینگ‌ها

وقتی غول بیدار می‌شود


نروز بازی را با یک الگوی ساده اما بی‌رحمانه آغاز کرد؛ اتکای هوشمندانه به ضدحمله‌های سریع و تغذیه مداوم ارلینگ هالند در عمق، ساختار دفاعی عراق را از هم گسست. هالند، با دو گل و تداوم میانگین خیره‌کننده‌اش (۲۲ گل در ۱۱ بازی رسمی اخیر)، نشان داد که نه فقط یک تمام‌کننده، بلکه یک «مرجع تاکتیکی» برای جهت‌دهی به حملات است؛ بازیکنی که با حرکات بدون توپ، خطوط دفاعی را می‌شکند و فضا برای دیگران می‌سازد. عراق در فاز اول بازی تلاش کرد با بلوک میانی و انتقال به جناحین، ریتم را کنترل کند، اما اشتباهات فردی و فروپاشی تمرکز، بویژه در صحنه گل به‌خودی، توازن را برهم زد. ایمن حسین نماد دوگانه این بازی بود؛ از گلزنی تا اشتباهی که روند مسابقه را تسریع کرد. برتری نروز بیش از آن‌که مبتنی بر مالکیت توپ باشد، بر «کارایی در لحظه» استوار بود؛ تیمی یک‌دست که با حداقل لمس، حداکثر ضربه را وارد کرد. در مقابل، عراق با وجود دقایقی از مقاومت، در مدیریت فضا و مهار مهاجم هدف ناکام ماند. این مسابقه یک درس کلاسیک بود، در سطح جام جهانی، تیمی که لحظه‌ها را بهتر شکار کند، حتی بدون تسلط کامل، می‌تواند بازی را به سود خود مصادره کند.

الجزایر در طوفان اسطوره گم شد

مسی، فراتر از زمان


آرزوئین این بازی را نه با عجله، بلکه با «صبرمسلط» برد؛ تیمی که می‌دانست چه زمانی سرعت بگیرد و چه دقیقه‌ای نفس حریف را با گردش توپ بگیرد. دقیقه‌ای از نظر ظاهر منظم بود، اما هربار که بازی به منطقه نفوذ می‌رسید، یک تصمیم دیر هنگام یا یک جاگیری اشتباه، نظم را به هم می‌ریخت. این همان شکافی بود که آرزوئین بی‌رحمانه از آن عبور کرد. مسی در این میان، صرفاً ستاره نبود؛ او مرکز ثقل، بازی بود. هت‌تریکش فقط عدد نیست، بلکه نتیجه خوانش دقیق لحظه‌هاست؛ جایی که قبل از رسیدن توپ، تصمیم گرفته و قبل از واکنش مدافع، ضربه را زده است. رسیدن به ۱۴ گل در جام جهانی و ۲۲ اثرگذار مستقیم روی گل، تصویری روشن از بازیکنی می‌دهد که هنوز هم بازی را یک گام جلوتر از همه می‌بیند. الجزایر تلاش کرد با فشرده‌گی در میانه میدان و انتقال سریع، تعادل را حفظ کند، اما اختلاف کیفیت در تصمیم‌گیری و اجرای لحظه آخر، باعث شد این تلاش‌ها بی‌ثمر بماند. در مقابل، آرزوئین با حداکثر بهره‌وری از موقعیت‌ها، بازی را به نمایشی یک‌طرفه تبدیل کرد. این مسابقه بیش از هر چیز، روایت «زمان بندی و نبوغ» بود؛ جایی که مسی در آستانه ۳۹ سالگی، همچنان تعیین می‌کند بازی کی و کجا تمام شود.

اردن زیر پیر بی‌وقفه اتریش نفس کم آورد

آرنا توویچ، مرد همه سناریوها


اتریش این بازی را نه با صبر، بلکه با هجوم آغاز کرد؛ شبی که قطعه موسیقی خاصی از همان ثانیه اول روی اعصاب حریف راه می‌رود. ساختار تیم رانگنیک بر فشار بالا و بازیس‌گیری سریع توپ بنا شده بود؛ الگویی که اردن را از همان شروع، به بازی واکنشی وادار کرد و اجازه نداد هیچ ریتمی در خط میانی شکل بگیرد. آرنا توویچ در این میان، فقط یک مهاجم نبود؛ او تبدیل به «روایت اصلی مسابقه» شد. در ثلثی که هم کل مردود داشت، هم روی گل به‌خودی اثر گذاشت و هم پنالتی را به گل تبدیل کرد، در عمل همه حالت‌های اثرگذار در فاز تهاجمی را تجربه کرد. این تنوع در نقش‌آفرینی، نشان می‌دهد اتریش به جای وابستگی به یک الگوی خطی، از یک مهاجم چندلایه برای شکستن بلوک دفاعی استفاده می‌کند. اردن با وجود انسجام نسبی در فاز میانی، در برابر سرعت تصمیم‌گیری اتریش و تغییر جهت‌های سریع توپ، بارها دیر رسید. فاصله بین خطوط، نقطه‌ای بود که در نهایت کیفیت بازی را تعیین کرد؛ جایی که اتریش همیشه یک قدم جلوتر بود. در پایان، این مسابقه بیش از آن‌که درباره نتیجه باشد، درباره «شدت» بود؛ شدت در پرس، شدت در تصمیم و شدت در اجرا. و در چنین سطحی، تیمی که شدت را بهتر مدیریت کند، بازی را هم در اختیار می‌گیرد.

«ایران» تأثیرگذاری بازیکنان کلیدی در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

امپراطوری ابرستاره‌ها زیر فشار استعداد‌های نوظهور

دوره در آن است که دیگر تنها نیستند. سون هیونگ مین در کره، میتوما و کوپو در ژاپن، رامین رضایتیان در ایران، امام عاشور در مصر و بازیکنان مشابه در تیم‌های کمتر مدعی، همگی وارد همان میدان رقابت شده‌اند؛ میدانی که در آن اثرگذاری بیش از شهرت اهمیت دارد.

جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد فوتبال وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن ستاره بودن دیگر صرفاً به نام و سابقه وابسته نیست، بلکه به توانایی تغییر لحظه‌ها بستگی دارد. در این فضا، هر بازیکن از هر نقطه جهان می‌تواند در یک لحظه کوتاه، خود را هم‌تراز بزرگ‌ترین نام‌های واقعی و هیجان‌انگیز این تورنمنت است. بی‌تردید در ادامه رقابت‌ها، این واقعیت با شدت بیشتری احساس خواهد شد و شاید همین مسئله، نقطه اوج و جذاب‌ترین روایت جام جهانی ۲۰۲۶ باشد.



ستاره‌ها فقط نمی‌درخشند؛ سرنوشت‌رامی نویسند

مهری رنجبر / در جام جهانی، دیگر نمی‌توان نقش ستاره‌ها را فقط در چارچوب مهارت فردی خلاصه کرد. بازیکنان از جمله هالند و امبایه تا مسی، رونالدو و وینیسیوس، در واقع به عناصر تعیین‌کننده‌ای تبدیل شده‌اند که هم جریان بازی را تغییر می‌دهند و هم هویت تاکتیکی تیم‌ها را شکل می‌دهند. در این شرایط ستاره بودن تنها یک عنوان نیست، بلکه یک مسئولیت چندبعدی است که از گلزنی تا ایجاد فضا

ستاره‌هدم‌دانی، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

برای همه‌تیمی‌ها و حتی تحت‌تأثیر قرار دادن ساختار دفاعی حریف را در بر می‌گیرد. به بیان ساده‌تر این موضوع و بررسی نقش ستاره‌ها در این دوره از جام جهانی، نه فقط بررسی عملکرد فردی، بلکه تحلیل تأثیر آنها بر کل ساختار بازی، به سراغ ستار همدانی، بازیکن اسبقی تیم ملی فوتبال رقیبم تا در این خصوص با وی گفت‌وگو کنیم. متن کامل این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

با هافبک‌های دیگر فرصت بیشتری برای حرکت، پاس‌کاری و گلزنی پیدا می‌کنند.

عملکرد ستاره‌های بزرگ فوتبال مثل هالند، مسی، امبایه و وینیسیوس می‌تواند نویدبخش یک جام جهانی جذاب و مهیج باشد؟

درخشش ستاره‌های فوتبال دیده تازه‌ای نیست و محدود به جام جهانی ۲۰۲۶ هم نمی‌شود. در طول تاریخ فوتبال، همیشه بازیکنان بزرگ تعیین‌کننده بوده‌اند؛ از پله و مارادونا گرفته تا رونالدو و مسی، همگی نقش «ستاره‌های اثرگذار» را در تیم‌های ملی خود ایفا کرده و جذابیت جام جهانی را چند برابر کرده‌اند. در این دوره نیز همین روند ادامه دارد و بازیکنانی مانند هالند برای نروز با گلزنی و نمایش‌های مؤثر یا امبایه با سرعت و توانایی‌های فردی‌اش، از همان ابتدا در حال شکل دادن به جریان مسابقات هستند. این درخشش باعث می‌شود کیفیت بازی‌ها بالا برود و مخاطب نیز لذت بیشتری از تماشای فوتبال بردارد؛ فوتبالی که امروز دیگر فقط یک ورزش نیست، بلکه به یک صنعت و تجارت بزرگ جهانی تبدیل شده است.

آیا نقش ستاره‌ها در فوتبال فقط به گلزنی و درخشش فردی محدود می‌شود؟

ستاره‌های بزرگ فوتبال فقط برای دیده شدن و گلزنی بازی نمی‌کنند. نقش آنها بسیار فراتر است و حتی می‌تواند زمینه‌ساز درخشش سایر بازیکنان تیم باشد.

ستاره‌های بزرگ چگونه به موفقیت سایر بازیکنان در زمین کمک می‌کنند؟ در فوتبال مدرن، بازیکنان بزرگ معمولاً تحت فشار شدید قرار می‌گیرند و تیم‌های حریف اغلب تمرکز اصلی خود را روی مهار ستاره‌ها می‌گذارند که این تمرکز باعث می‌شود فضا برای سایر بازیکنان تیم باز شود. به همین دلیل، مهاجمان تدریجی او در فوتبال است.

کنارشان موجی از بازیکنان جدید ایستاده‌اند که از دل آمار و عملکرد واقعی، خود را به سطح تأثیرگذاری رسانده‌اند.

در آسیا، کره جنوبی با محوریت سون هیونگ‌مین همچنان یکی از نمونه‌های کلاسیک تکیه بر یک ستاره است. سون نه فقط گل‌زن، بلکه موتور انتقال تیم از فاز دفاع به حمله است و در داده‌های مربوط به پیشرای توپ و مشارکت در حملات، همچنان در صدر قرار دارد. اما نکته مهم‌تر این است که او دیگر تنها نقطه اتکای تیم نیست؛ نسل جدید کره جنوبی در حال ورود به ساختار تصمیم‌سازی است و این یعنی گذار تدریجی از وابستگی به فرد به سمت توزیع نقش‌ها. در ژاپن، بازی برابر هلند یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این تحول بود. ژاپن در این دیدار، با وجود مالکیت کمتر توپ، توانست در نیمه دوم کیفیت موقعیت‌های خود را به سطح حریف برساند. بازیکنانی مانند کاوورا میتوما و تاکه‌فوسا کوپو با استفاده از

جابه‌جایی‌های هوشمندانه، ساختار دفاعی هلند را از هم گشودند و فضاهایی خلق کردند که به موقعیت‌های جدی ختم شد. این بازی نشان داد ژاپن دیگر صرفاً تیم نظم نیست، بلکه تیمی است که می‌تواند ریتم بازی را کنترل کرده و از دل فشار، موقعیت بسازد.

در اروپا و آفریقا نیز الگوهای مشابهی دیده می‌شود. روملو لوکاکو در بلژیک همچنان بازیکنی است که حضورش فراتر از آمار گل عمل می‌کند. حتی در روزهایی که گل نمی‌زند، ساختار دفاعی حریف را درگس می‌سازد و فضای بیشتری برای دیگر مهاجمان ایجاد می‌کند. در مصر نیز امام عاشور با یک گل کلیدی برابر بلژیک نشان داد که اثرگذاری همیشه به حجم بازی وابسته نیست؛ گاهی یک لحظه کافی است تا هم نتیجه و هم روایت مسابقه تغییر کند. در تیم ملی ایران، رامین رضایتیان یکی از نمونه‌های قابل‌توجه تغییر نقش در فوتبال مدرن است. او دیگر صرفاً یک مدافع کناری

برای همه‌تیمی‌ها و حتی تحت‌تأثیر قرار دادن ساختار دفاعی حریف را در بر می‌گیرد. به بیان ساده‌تر این موضوع و بررسی نقش ستاره‌ها در این دوره از جام جهانی، نه فقط بررسی عملکرد فردی، بلکه تحلیل تأثیر آنها بر کل ساختار بازی، به سراغ ستار همدانی، بازیکن اسبقی تیم ملی فوتبال رقیبم تا در این خصوص با وی گفت‌وگو کنیم. متن کامل این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

با هافبک‌های دیگر فرصت بیشتری برای حرکت، پاس‌کاری و گلزنی پیدا می‌کنند.

چرامی توان گفت بزرگی یک ستاره فوتبال فقط در گل‌زن خلاصه نمی‌شود؟

زیرا ارزش واقعی یک ستاره در تأثیری است که بر کل ساختار بازی می‌گذارد. اگر فرصت داشته باشد، می‌تواند با هنرنمایی فردی نتیجه بازی را تغییر دهد، اما حتی در شرایطی که مهار شود، حضورش باعث تغییر آرایش دفاعی حریف و باز شدن فضا برای دیگران می‌شود. به همین دلیل، بزرگی یک ستاره دقیقاً در همین دوگانه تعریف می‌شود، یعنی یا خودش تعیین‌کننده نتیجه است، یا بستری برای درخشش دیگران فراهم می‌کند.

آیا می‌توان گفت سن در فوتبال مدرن دیگر تعیین‌کننده نیست؟

نمونه‌هایی مانند رامین رضایتیان و حتی بازیکنانی چون کریستیانو رونالدو نشان می‌دهد که سن به‌تنهایی معیار تعیین‌کننده نیست. زمانی که بازیکن از نظر ذهنی آماده، منظم در زمین و متعدد به تیم و کنترول باشد، می‌تواند در هر سنی در سطح بالا بازی کند. در واقع، آمادگی ذهنی و حرفه‌ای‌گری مهم‌تر از سن و اعداد است.

آیا نقش ستاره‌ها در فوتبال فقط به گلزنی و درخشش فردی محدود می‌شود؟

ستاره‌های بزرگ چگونه به موفقیت سایر بازیکنان در زمین کمک می‌کنند؟ در فوتبال مدرن، بازیکنان بزرگ معمولاً تحت فشار شدید قرار می‌گیرند و تیم‌های حریف اغلب تمرکز اصلی خود را روی مهار ستاره‌ها می‌گذارند که این تمرکز باعث می‌شود فضا برای سایر بازیکنان تیم باز شود. به همین دلیل، مهاجمان تدریجی او در فوتبال است.

ستاره‌های بزرگ چگونه به موفقیت سایر بازیکنان در زمین کمک می‌کنند؟ در فوتبال مدرن، بازیکنان بزرگ معمولاً تحت فشار شدید قرار می‌گیرند و تیم‌های حریف اغلب تمرکز اصلی خود را روی مهار ستاره‌ها می‌گذارند که این تمرکز باعث می‌شود فضا برای سایر بازیکنان تیم باز شود. به همین دلیل، مهاجمان تدریجی او در فوتبال است.

ستاره‌های بزرگ چگونه به موفقیت سایر بازیکنان در زمین کمک می‌کنند؟ در فوتبال مدرن، بازیکنان بزرگ معمولاً تحت فشار شدید قرار می‌گیرند و تیم‌های حریف اغلب تمرکز اصلی خود را روی مهار ستاره‌ها می‌گذارند که این تمرکز باعث می‌شود فضا برای سایر بازیکنان تیم باز شود. به همین دلیل، مهاجمان تدریجی او در فوتبال است.

آیا ستاره‌ها بی‌دین در فوتبال فقط به نام و شهرت وابسته است؟

ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

نیست، بلکه در بسیاری از بازی‌ها در میان بازیکنان برتر تیم از نظر ورود به محوطه جریمه قرار می‌گیرد. این تغییر نقش نشان می‌دهد که مرز میان پست‌ها در فوتبال مدرن در حال محو شدن است و بازیکنان پیش از گذشته چندوظیفه‌ای شده‌اند.

در تیم‌هایی مانند کی‌پورد و نیوزیلند نیز همین منطبق دیده می‌شود. لوکاس آندرسن، دروازه‌بان کی‌پورد، در دیدار برابر اسپانیا با عملکردی فوق‌العاده در مهار موقعیت‌های خطرناک، در عمل تیمش را در بازی نگه داشت و نشان داد که نقش دروازه‌بان‌ها در فوتبال امروز به سطح ستاره‌های تعیین‌کننده رسیده است. در نیوزیلند نیز بازیکنانی مانند الی جاست با تبدیل شدن به تاریخ‌ساز شدند؛ این نشان داده که کارایی فردی می‌تواند تا حدی جای کمبود ستاره‌های بزرگ را پر کند.

در کنار این چهره‌ها، ستاره‌های بزرگ همچنان حضور دارند، اما تفاوت این

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

موقعیت تیم وابسته است، نه صرفاً نام و جایگاه. نمونه‌هایی مانند حضور لوکاکو در بازی بلژیک و مصر نشان می‌دهد که یک بازیکن حتی به‌عنوان ذخیره هم می‌تواند با ورود به زمین، جریان بازی را تغییر دهد و گلزنی کند. در فوتبال حرفه‌ای، ستاره واقعی کسی است که بتواند در لحظه‌های حساس اثر بگذارد؛ و مهم‌تر از آن، ستاره ماندن بسیار دشوارتر از ستاره شدن است.

تیمی دچار ضعف شده است. در برخی مقاطع، تمرکز بیش از حد روی ستاره‌ها باعث شده انسجام تیمی کمتر دیده شود.

در بازی‌هایی مانند دیدار با نیوزیلند نیز این مسئله تا حدی مشهود بود و تیم در برخی خطوط، بویژه دفاع و حمله، عملکرد کاملی نداشت. بازیکنانی مانند رامین رضایتیان و ویرژی جانی شخصیتی و فنی خود و همچنین بازیکنانی چون طارمی و بیرانوند با انگیزه و تأثیرگذاری بالا، می‌توانند به ارتقای کیفیت تیم و ایجاد روحیه در سایر بازیکنان کمک کنند.

تیمی ملی ایران برای ارتقای کیفیت بازی مقابل بلژیک و افزایش شانس صعود چه برنامه‌ای باید داشته باشد؟

با توجه به شرایط پس از تسنای برابر نیوزیلند، کار تیمی در ادامه مسیر دشوارتر شده است. تجربه نشان می‌دهد که تیم ایران باید در بازی مقابل بلژیک با رویکردی حساب‌شده وارد زمین شود و از ضدحملات و سرسخت مهاجمان خود بیشترین استفاده را ببرد. بازیکنانی مانند مغاللو می‌توانند با حضور در محوطه جریمه و استفاده از ارسال‌ها و سانترها از جناحین، به تیم کمک کنند و در کنار بازیکنانی مانند قایدی، جریان هجومی تیم را تقویت کنند.

نیاید فراموش کرد که بلژیک تیمی قدرتمند و بسیار خطرناک است. در لیگ‌های معتبر اروپایی، بویژه لیگ برتر انگلیس است و برای پیروزی وارد زمین می‌شود. اولویت اصلی تیم ملی ایران باید دریافت نکردن گل باشد و سپس استفاده از موقعیت‌های محدود برای گل خوردن، خود یک پیروزی کوچک محسوب می‌شود. بدون تردید، این بازی یکی از چالش‌برانگیزترین دیدارها خواهد بود.

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

تیمی ملی ایران در دوره‌های مختلف همیشه ستاره‌هایی داشته، اما گاهی در ساختار

شنبه ۳۰ خرداد ساعت ۴:۳۰ پامداد

هائیتی

ملاقات با یک ناشناخته مرموز